

## واکاوی مفهوم مشارکت سیاسی در قرآن با تأکید بر سازوکار انتخابات

مهدی دلیری پور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

### چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی مفهوم مشارکت سیاسی در قرآن کریم است، در این راستا و با روش توصیفی-تحلیلی بر سازوکار انتخابات متمرکز شده است. برداشت‌های نظری و مسائل عملی ایجاد شده به دلیل تعدد مسیرهای مشارکت سیاسی مومنین گوناگون است، با این همه یافته‌های پژوهشی برآمده از مبانی دینی و قرآنی نشان می‌دهد محقق کردن مردم‌سالاری دینی یک ضرورت ایمانی است که انتخابات یکی از روش‌های امروزی در جهت اجرایی ساختن آن است؛ در این بین مسائلی پیش می‌آید که راه‌های محقق‌سازی مشارکت سیاسی را درگیر ابهام می‌سازد. در مقاله پیش‌رو به واکاوی مفهوم مشارکت سیاسی با در نظر گرفتن اصول و مبانی قرآنی پرداخته شده است و در این فرآیند با تأکید بر روش مرسوم و متداول انتخابات، سازگاری و تطبیق آن در متن جامعه ایمانی برای تحقق مطلوب مشارکت سیاسی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلید واژه‌ها:** قرآن کریم، مشارکت سیاسی، انتخابات، مردم‌سالاری دینی، جامعه ایمانی.

**استناد فارسی** (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

دلیری پور، مهدی (زمستان ۱۴۰۳). «واکاوی مفهوم مشارکت سیاسی در قرآن با تأکید بر سازوکار انتخابات». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هفتم، شماره‌ی ۴، پیاپی ۲۸، صص ۱۴۴-۱۲۱.

<sup>۱</sup> سطح چهار حوزه علمیه قم، مدرس گروه معارف، دانشگاه قم، قم، ایران. ایمیل: daliripourmahdi@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (انديشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با راجه‌گیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

انسان به حکم طبیعتش موجودی اجتماعی است. خداوند متعال بنای خلقت او را به گونه‌ای پیریزی کرده است تا بر خلاف سایر موجودات علاوه بر خویش نسبت به سرنوشت و رخدادهای پیرامون خود در گستره جمع و جامعه بی تفاوت نبوده بلکه حساس هم باشد، چرا که منتفع شدن جمع را منتفع شدن خود و آسیب دیدن آن را به ضرر خود می‌داند. لذا انسان سعی دارد به میزان حوزه تاثیر خود نگاه و تصمیم جمعی داشته باشد هر چند که تصمیم و یا تشخیص‌هایش او را در انجام این هدف دچار وقفه و خسران گرداند و امور به گونه‌ای پیش رود که نه تنها خودش که حتی در سرنوشت ناگوار یک جمع یا جامعه نیز موثر بوده باشد، چراکه بنا به طبیعت و فطرتش و به واسطه اهمیت داشتن سرنوشت جمعی تصمیمی اتخاذ کرده است. انسان به دنبال مشارکت در تعیین و جهت‌دهی سرنوشت جامعه‌ای است که بخشی از طبیعتش شمرده می‌شود.

در راستای طبیعت بشری، اسلام و ادیان الهی نیز دستور و توصیه‌ای بر خلاف طبایع انسانی نداشته‌اند، بلکه مترصد جهت‌دهی انسان در مسیر خودسازی و جامعه‌سازی به موازات فطرت الهی او هستند. از منظر اسلام انسان علاوه بر وظایف فردی، وظایف اجتماعی دارد و در قبال جامعه مسئول است، این مسئولیت او باید در مسیر مشارکت در جامعه‌سازی باشد به گونه‌ای که بتواند بنابر مسئولیت‌های اجتماعی خود در پیشگاه الهی پاسخگوی کنش‌های اجتماعی خویش باشد؛ خداوند متعال این مشارکت در مسئولیت‌سازی برای انسان مؤمن را بسیار دقیق و ظریف ترسیم کرده و آنچنان در مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری مؤمن حساس بوده که می‌فرماید قطعاً در برابر آن مورد سؤال واقع می‌شوید: «إِنَّ السَّعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (سوره اسراء، آیه ۳۶) به این معنا که چشم و گوش و دل همه در درگاه الهی مسئولند. و بر همین اساس و این مبنای تفکر بنیادین اسلامی است که پیامبر عظیم‌الشان صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند:

«أَلَا، كَلَّمُ رَاعٍ وَكَلَّمُ مَسْؤُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛

«بدانید هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۸).

مبتنی بر این اصل اسلامی افراد اولاً مسئولیت داشته و این مسئولیت جز با ایفای نقش مشارکت مسئولانه و متعهدانه در برابر سرنوشت خود و جامعه ایمانی پیرامونش محقق نمی‌شود. مؤمنین در حیطه شخصی و در محدوده تأثیرگذاری خود و به نسبت جایگاهی که دارند مسئولیت داشته و به حکم احکام اسلامی باید مسئولیت‌پذیر در ایفای نقش خود باشند، بخش مهمی از این مسئولیت‌پذیری ناشی از تلاش برای مشارکت در رقم زدن سرنوشت مطلوب آن افرادی است که در محدوده تأثیرگذاری وی هستند، از افرادی که به‌عنوان عضو خانواده آن شخص هستند تا افرادی که در محدوده کاری وی اعم از حیطه اداری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی وی حضور داشته و تحت

تأثیر او قرار می‌گیرند، با این فرض سطح مسئولیت هر فرد متفاوت می‌شود و با افزایش سطح نفوذ، میزان مسئولیت و اهمیت مشارکت فرد نیز افزایش پیدا می‌کند.

با این مبنا و بر اساس مبانی قرآنی مشارکت شخص در تعیین سرنوشت افراد متأثر از وی نه فقط یک حق بلکه به تناسب توانایی و استعدادها و نوعی تکلیف شرعی و عقلی او هم به شمار می‌رود، تا جایی که عمل نکردن به مسئولیت‌ها توسط افراد یک جامعه عامل دگرگونی در نعمات الهی آن جامعه و تغییرات اساسی در حال افراد غیرمسئول جامعه خواهد شد، هم‌چنان که آیه شریفه ۱۱ در سوره مبارکه رعد می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»

«خداوند بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرد تغییر دهد تا وقتی که آن قوم حال

خود را تغییر دهند»

یعنی در گام اول باید اراده تغییر در ناحیه احاد افراد جامعه شکل بگیرد و در گام بعدی مشارکت فرد فرد جامعه برای ایجاد تغییرات مطلوب با توجه به دستورات الهی فعال شود تا به تدریج به سمت اصلاح و ارتقای آن جامعه امیدوار بود، در غیر این صورت، خداوند متعال جامعه ایستایی را که دست بر روی دست بگذارد اصلاح نخواهد فرمود، بنابراین حکم قطعی برآمده از متن دستورات الهی و قرآنی مشارکت در ایجاد جامعه فعال و پویا بر اساس این قاعده است که هر فرد مؤمن یک نقش فعال در تأثیرگذاری و رشد دادن جامعه دارد.

در دنیای بعد از رنسانس فرایند توسعه و بالادستی توسعه پایدار، مهم‌ترین دغدغه و نگرانی مسئولان اکثر کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه قلمداد می‌گردد. این امر نیز به نوبه خود مستلزم به‌کارگیری استعدادهای و توانمندی‌های انسانی از یک سو و مشارکت فعالانه و مستمر افراد جامعه در مراحل مختلف توسعه از سوی دیگر است. از این منظر واژه مشارکت با طرح مقوله توسعه از دهه ۱۹۴۰ میلادی و با ضرورت رشد مفاهیمی چون رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی مطرح و از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی به منزله مفهومی مهم در مباحث توسعه اقتصادی و به دنبال شکست برنامه‌های اقتصادی دنبال و بالاخره با شکل‌گیری واژه توسعه پایدار در دهه ۱۹۷۰ میلادی مفهومی وسیعی به خود گرفت، به طوری که در توسعه از نوع اخیر (توسعه پایدار)، مشارکت را وسیله توسعه به‌شمار آورده‌اند؛ به‌گونه‌ای که از آن به‌عنوان حلقه گمشده فرایند توسعه یاد می‌کنند (کاتورتی و دیگران، ۱۳۷۹؛ غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۲۰۴).

لذا کم‌تر برنامه‌ریزی محلی، ملی و بین‌المللی وجود دارد که یکی از بخش‌های مهم آن مشارکت و انگیزش اجتماعی مردم نباشد (از کیا، ۱۳۸۷). میردال اشاره می‌کند در مشارکت عمومی به مردم این فرصت داده می‌شود که در ساختن آینده و تعیین سرنوشت خود سهیم و شریک گردند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳).

## ۲. مفهوم مشارکت

مشارکت مردمی، فرایندی است که اجتماع، جماعت یا گروهی با همکاری و مشارکت یکدیگر، قصد دستیابی به اهداف معینی را دارند، به ویژه اینکه کنش مشارکتی سه شاخص محوری «داوطلبانه بودن»، «آگاهانه بودن» و «مسئولیت‌پذیری در برابر کنش و آثار مترتب بر آن» دارد (سعیدی، ۱۳۹۸).

اصطلاح مشارکت عمومی<sup>۱</sup> را می‌توان به مفهوم ساده، دخالت داشتن مستقیم مردم در فرایند تدوین برنامه‌های توسعه در سطح پوششی تأثیرگذار بر زندگی آنان تعریف کرد. مشارکت عمومی به معنای مشارکت شهروندان در تمام مراحل برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای برنامه‌ها برای بهبود وضعیت منطقه و استفاده از تمام توان‌ها است. در جوامع مردم‌سالار پذیرفته شده است که افراد باید بتوانند در تصمیم‌هایی که برای آنان تأثیر بازدارنده دارد، درون‌داد<sup>۲</sup> داشته باشند. مشارکت عمومی اقدامی برای آماده کردن درون‌داد در این‌گونه تصمیم‌ها است و خود بخشی از خردورزی متداول در برنامه‌ریزی است (ایران‌نژاد و صبوری، ۱۴۰۲: ۹۷).

مفهوم مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است (بیرو، ۱۳۷۵: ۲۵۷). اوکلی و مارسدن در تعریفی از مشارکت می‌گویند: مشارکت؛ درگیر شدن ذهنی و عاطفی افراد در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا به هدف‌های گروه یاری دهند و برای رسیدن به آن‌ها احساس مسئولیت کنند. سه عنصر مهم در این تعریف عبارت است از: درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت (اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۳). در ادبیات مرتبط با سرمایه اجتماعی، مفهوم مشارکت به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی مطرح است. مشارکت بر حسب قلمرو اجرایی به انواع مختلفی همچون: مشارکت روانی، مشارکت فرهنگی، مشارکت اقتصادی، مشارکت سیاسی و مشارکت اجتماعی تقسیم می‌شود (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶؛ محسنی تبریزی، ۱۳۷۰).

## ۳. بسامد مفهوم مشارکت در قرآن کریم

واژه مشارکت با این ترکیب و شمایل حروف اصلی و همچنین کاربرد امروزی و مصطلح را نمی‌توان در قرآن کریم و آیات شریفه آن مشاهده کرد، اما مفهوم و بسامد مفهومی آن را می‌توان پیگیری کرد و در مفاهیم متعدد و کثیری از مفاهیم قرآنی یافت. تا جایی که بعد از وصول به مفاهیم قرآنی که معنا و تفسیر مشارکت مؤمنین در امور مهم جامعه دینی از آن قابل استخراج است با یک نظام الهی در پایه‌گذاری سنت و اصلی قرآنی برای اداره حاکمیت اسلامی مواجه می‌شویم، اصلی که

1. Public participation

2. Input

اهمیت مشارکت اجتماعی، سیاسی مؤمنین در مدیریت جامعه دینی و جایگاه آن در منظومه معارف و اصول اسلامی را ترسیم می‌کند. در این بین آنچه بیشتر مورد تأکید قرآن کریم است تلاش برای همکاری و تعاون جمعی جامعه دینی در امور اجتماعی و سیاسی است، در دل همین دو کلان موضوع و در صورت تأمین مشارکت اجتماعی و مخصوصاً سیاسی، می‌توان اطمینان داشت که مشارکت فرهنگی، روانی اقتصادی و امنیتی نیز محقق خواهد شد.

### ۳-۱. مشارکت سیاسی مؤمنین توأسی به حق است

یکی از اصلی‌ترین آیات شریفه قرآن کریم که مفهوم مشارکت سیاسی مردم در امور جامعه دینی را نهادینه می‌کند، آیه آخر سوره مبارکه عصر است؛ این آیه شریفه نوع و نحوه مسئولیت‌پذیری مؤمنین را تشریح کرده و در تلاش برای شرکت و مشارکت دادن آنها در فعالیت‌هایی است که منتهی به تقویت و ارتقای بنیادهای نظام اسلامی می‌شود، این آیه حتی مشارکت در مسئولیت‌های اجتماعی، سیاسی جامعه دینی را برای اصلاح امور در طی مسیر آن جامعه نیز ضروری برمی‌شمرد چرا که از مصادیق این آیه به شمار می‌رود. آیه مبارکه می‌فرماید:

«إِنَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ»

«مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند» (سوره مبارکه عصر، آیه ۳).

مفهوم و منطوق آیه شریفه همه افراد جامعه دینی را توصیه به حق و حقیقت و صبر بر مسیر حق می‌کند، تا جایی که این امر از وظایف فردی مؤمنین می‌باشد و مؤمنین به حسب ایمان خود نمی‌توانند نسبت به جریان یافتن حق در جامعه بی‌تفاوت باشند، جریان یافتن حق در جامعه مصادیق متعددی دارد که قرآن کریم درصدد این است که آن اصل اساسی را نهادینه سازد، به این معنا که مؤمنین مسئولیت خود برای مشارکت در جریان یافتن حق و حقیقت در جامعه دینی را بشناسند و با توجه به مصادیق آن در هر زمان و اقتضایی عامل به آن باشند.

در باب توأسی به حق ذیل سوره مبارکه عصر تفاسیر متعددی بیان شده است که وجه اشتراک تمامی آن تفاسیر این است که توأسی به حق باب وسیعی دارد و موضوعات مختلفی از جامعه دینی را دربرمی‌گیرد، اما مهم آن است که قرآن کریم در یک سوره شریف و خطیر آن هم با این تعداد آیات قصد دارد یک اصل مهم را درون اجتماع مؤمنین نهادینه فرماید، آن اصل ایجاد فرهنگ مشارکت همگانی درون جامعه دینی و در همه امور مهم جامعه اعم از امور سیاسی، اجتماعی است؛ لازم است این مشارکت از تشکیل، تا حفظ و ارتقای جامعه دینی را دربرگیرد. در همین خصوص در تفسیر نمونه می‌خوانیم:

«تواصوا از ماده تواصی همانگونه که راغب در مفردات آورده به معنی آن است که بعضی بعض دیگر را سفارش کنند؛ و حق به معنی واقعیت یا مطابقت با واقعیت است، در کتاب وجوه قرآن دوازده معنی و مورد استعمال برای کلمه حق در قرآن مجید ذکر شده است، مانند خدا، قرآن، اسلام، توحید، عدل، صدق، آشکار بودن، واجب بودن و مانند اینها، ولی همه آنها به ریشه‌ای که گفتیم و آن مطابق با واقعیت باز می‌گردد. به هر حال جمله تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ معنی بسیار وسیعی دارد که هم امر به معروف و نهی از منکر را شامل می‌شود، و هم تعلیم و ارشاد جاهل و تنبیه غافل و تشویق و تبلیغ ایمان و عمل صالح را. بدیهی است کسانی که یکدیگر را به حق سفارش می‌کنند، خود باید طرفدار حق و عامل به آن باشند»

مقام معظم رهبری <sup>مدظله العالی</sup> در رابطه با اهمیت تواصی بر حق در جامعه سخنان متعددی داشته و یک از مصادیق این مشارکت را انتخابات و دعوت به شرکت در آن معرفی می‌کنند که همین فعالیت در یکی از امور جامعه اسلامی را مصداق تواصی به حق دانسته و می‌فرمایند:

«همه‌ی آحاد مردم، تک‌تک آحاد مردم خودشان را موظف بدانند که علاوه بر اینکه در انتخابات شرکت می‌کنند دیگران را هم به شرکت در انتخابات دعوت کنند؛ این، تواصی به حق است: وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ که در قرآن کریم هست؛ این، توصیه کردن به حق است؛ این وظیفه است و این کار را انجام بدهند؛ افراد خانواده، دوستان، همکاران، معاشرین، آحاد مردم و کسانی که با آنها سر و کار دارید را به [شرکت در انتخابات] دعوت کنید» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۳/۱۴).

بدون تردید کنش‌گری مسئولانه در جامعه دینی از مصادیق مشارکت سیاسی و تلاش برای افزایش آن منطبق بر دستور آیه کریمه قرآن است. در سخن دیگری ایشان در تبیین اهمیت مشارکت در تواصی به حق و خسارات ترک این اصل مهم قرآنی و ایمانی می‌فرمایند

«چنانچه تواصی به صبر و تواصی به حق و بصیرت در جامعه وجود داشته باشد، این جامعه به آسانی دستخوش تحریکات دشمن نخواهد شد؛ اما اگر چنانچه این جریان تواصی که زنجیره‌ی محافظت مؤمنان است، قطع بشود قطعاً خسارت خواهد رسید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، أَلَّا الَّذِيْنَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»؛ اگر این تواصی نباشد، خسارت تحقق پیدا خواهد کرد. خب، دشمن همین عامل مهم را هدف قرار می‌دهد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱)

### ۲-۳. مشورت‌خواهی از مؤمنین، مصداق حقیقی مشارکت سیاسی

جلوه دعوت مؤمنین به مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی درون جامعه دینی را در آیات متعددی از قرآن کریم می‌توان مشاهده کرد. همان‌طور که اشاره شد معادل قطعی واژگانی برای مفهوم مشارکت در مفاهیم قرآنی، آن هم با معنا و کاربرد مصطلح امروزی وجود ندارد اما معادل

مفهومی برای مشارکت به تعدد و تکثر در مفاهیم قرآنی وجود داشته و قابل بهره‌برداری است. یکی دیگر از آن معادل‌های مفهومی مشارکت آن هم در شیوه مشارکت اجتماعی و سیاسی که برای آحاد مؤمنین جامعه دینی تشریح و تبیین می‌شود در آیه ۳۸ سوره مبارکه شوری قابل مشاهده و بهره‌برداری است.

خداوند در تشریح حال مؤمنانی که استحقاق بهشت دارند خصوصیات را بیان می‌فرماید که یکی از آنها مشورت در امور مهم است، مؤمنین اهل مشورت هستند و در کارها مخصوصاً کارهایی که جنبه عمومی دارد و قصد دارند به صورت مشارکت جمعی انجام دهند با یکدیگر مشورت کرده و عقل و خرد جمعی را بر تصمیم نهایی خود حاکم می‌کنند. آن چنان مشورت‌خواهی مهم است که این اخلاق را خلقی بهشتی معرفی می‌کند چرا که جنبه مشارکت و تعاون عمومی را به دنبال داشته، ضمن آنکه خرد جمعی را به خدمت گرفته که رضایت عمومی را هم در پی خواهد داشت، مشورت برای جلب مشارکت جمعی است که آیه شریفه می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»

«کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آن چه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند» (سوره مبارکه شوری، آیه ۳۸)

آیه در صدد معرفی ویژگی‌های مؤمنین است و محل بحث ما این جاست که می‌فرماید کارهای خود را در میان یکدیگر با مشورت انجام می‌دهند، در این خصوص علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه می‌فرماید:

«مؤمنین آنهاست که هر کاری می‌خواهند بکنند، در بینشان شورایی تشکیل می‌شود که پیرامونش مشورت می‌کنند. در مجموع این بخش از آیه اشاره‌ای است به این که مؤمنین اهل رشدند، و در به دست آوردن و استخراج رأی صحیح دقت به عمل می‌آورند، که به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند. در نتیجه آیه شریفه قریب المعنی با آیه ۱۸ سوره زمر است که می‌فرماید «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» خواهد بود» (طباطبایی، ۱۳۶۷: ج ۹۲/۱۸)

این اهل مشورت دانستن مؤمنین در واقع دعوت قرآن کریم به یک امر مهم بعد از اقامه نماز است و آن مشارکت در انجام امور مهم جامعه دینی با مشارکت دادن عقل و خرد جمعی است. در این آیه مشاهده می‌کنیم که مشارکت دادن مؤمنین برای مشورت‌خواهی در امور مهم یک امر نهادینه شده و اصل اساسی مدیریت جامعه دینی است. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر وزین نمونه این گونه در تفسیر آیه شریفه بیان می‌دارند:

«بعد از نمازی که در آیه فرموده است مهم‌ترین مساله اجتماعی همان اصل شوری است که بدون آن همه کارها ناقص است، یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد نسبت به مسائل

مختلف تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد، و لذا ابعاد دیگر بر او مجهول می‌ماند، اما هنگامی که مسائل در شوری مطرح گردد و عقل‌ها و تجارب و دیدگاه‌های مختلف به کمک هم بشتابند مسائل کاملاً پخته و کم عیب و نقص می‌گردد، و از لغزش دورتر است. لذا در حدیث پرمعنایی از پیغمبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم «انه ما من رجل یشاور احدا الا هدی الی الرشد» احدی در کارهای خود مشورت نمی‌کند مگر این که به راه راست و مطلوب هدایت می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ج ۲۰ / ۴۶۱).

این جهتی است که قرآن کریم به جامعه دینی و جمع ایمانی مومنین تزریق کرده و صراط مستقیم را در مشارکت مومنین برای استخراج رای صحیح در انجام امور مهم سیاسی و اجتماعی جامعه ایمانی برمی‌شمرد.

اشاره شد باید رویه و روال معمول و همیشگی جامعه دینی این باشد که در امور سیاسی مشارکت در نظرگیری و اقدام برای انجام امور مهم سیاسی و اجتماعی باشد، این یک اصل است که از تفسیر آیه شریفه برمی‌آید:

«تعبیر در این‌جا به‌صورتی است که آن‌را یک برنامه مستمر مؤمنان می‌شمرد، نه تنها در یک کار زودگذر و موقت، می‌گوید همه کارهای آنها در میانشان به‌صورت شوری است» (همان: ج ۲۰ / ۴۶۲).

در واقع این مشارکت‌طلبی در مشورت میان مؤمنین نه تنها یک امر الهی و واجب است بلکه سیره و شیوه حکمرانی حکومت‌های الهی هم بر همین اصل و اساس استوار است، تفسیر نمونه در خصوص مشارکت دادن مومنین در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی و اجرایی و حتی نظامی می‌نویسد:

«جالب این که خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با این که عقل کل بود و با مبده وحی ارتباط داشت در مسائل مختلف اجتماعی و اجرایی، در جنگ و صلح و امور مهم دیگر، به مشورت با یاران می‌نشست، و حتی گاه نظر آن‌ها را ترجیح می‌داد با این که مشکلاتی از این ناحیه حاصل می‌شد، تا الگو و اسوه‌ای برای مردم باشد، چراکه برکات مشورت از زیان‌های احتمالی آن به مراتب بیشتر است» (همان).

### ۳-۳. جلب مشارکت سیاسی مومنین در امور جامعه دینی، اصلی قرآنی

بنابر تصریح آیات قرآن کریم این نکته قطعی است که مکتب اسلام، در رشد و ارتقای جامعه دینی اصول و ارکانی دارد و تا زمانی که این اصول مورد تأکید جامعه ایمانی و پایبندی مؤمنین باشد حفظ و رشد این جامعه تضمین خواهد شد، در غیر این صورت اگر در سیاست و سیاستگذاری‌های جامعه دینی به اصل مشارکت دادن مؤمنین برای پیش‌برد اهداف متعالیه اجتماعی وقعی نهاده نشود،



حاکمیت اسلامی و اجتماع مؤمنین دچار پسرفت و تنزل خواهد شد. لذا قطعاً مشورت دادن مؤمنین در امور مهم سیاسی و اجتماعی جامعه دینی، یکی از فروع مشارکت مؤمنین است.

به همین سبب مفسرین، مفهوم مشورت را در آیه ۳۸ سوره شوری به معنای ایجاد سازوکار و فرآیندهای جلب مشارکت جمعی در میان مؤمنین می‌داند که از مسیر نظرخواهی و رأی‌گیری این استخراج رأی و مشارکت‌طلبی محقق می‌گردد، آیه درصدد معرفی یک برنامه عمومی و همگانی است. اما نکته دیگر این‌که این جلب مشارکت در جامعه دینی صرفاً در نفس موضوعات قابل تحقق و اجرا است، چراکه بنا با اصول بنیادین جامعه دینی احکام ثابت بوده و قابل تغییر با نظرخواهی نیستند. آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل آیه شریفه مورد بحث در همین خصوص بیان می‌دارند:

«شوری منحصرأ در مورد کارهای اجرایی و شناسایی موضوعات است نه در باره احکام، چراکه احکام تنها باید از مبدء وحی و از کتاب و سنت گرفته شود تعبیر به امرهم (کارهایشان) در آیه شریفه نیز ناظر به همین معنی است، چراکه احکام کار مردم نیست کار خدا است» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ج ۲۰ / ۴۶۱).

البته این نکته در مبانی اهل سنت متفاوت است. بعضی از مفسران مانند «آلوسی» دامنه مشورت از مردم و شوری را توسعه داده‌اند و احکام را در آنجا که نص خاصی در آن وارد نشده مشمول آن (شوری) شمرده‌اند که بی‌اساس است به خصوص اینکه ما معتقدیم هیچ امری در اسلام نیست مگر اینکه نص عام یا خاصی در مورد آن صادر شده است، و گرنه آلیوم اکملت لکم دینکم (مأده - ۳) صحیح نبود (شرح این معنی را باید در کتب اصول فقه در مورد بطلان اجتهاد به معنی قانونگذاری در اسلام مطالعه کرد). (همان: ج ۲۰ / ۴۶۱).

#### ۴. مردم‌سالاری دینی، نظامی مافوق دموکراسی غربی

نظام‌های حاکمیتی امری خطیر در مدیریت سیاسی و اجتماعی ممالک جهان هستند که فارغ از روش‌ها و سبک‌های اعمال آن می‌باشند، از جمله روش اعمال حاکمیت انتخابات است. انتخابات یک فرایند برای اعمال حاکمیت مردم است که بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی رسمیت پیدا کرده و بتدریج در قوانین اساسی کشورها نهادینه گشته است چرا که از این تاریخ به بعد اراده ملل و دولت‌ها بر اساس اعمال دموکراسی بنا گردید به همین دلیل «از نیمه دوم قرن بیستم شاهد افزایش قابل توجه اقبال به دموکراسی در کشورهای جهان هستیم» (دال، ۱۳۷۹: ۲) دموکراسی یک نظام است که سازوکاری نوین و پذیرفته‌شده جهت کسب نظر مردم در امور مهم سیاسی و اجتماعی کشور را نیز بنا نهاد و آن انتخابات بود. اندیشمندان معتقد به دموکراسی بیان می‌دارند که:

«می‌توان گفت دموکراسی تنها شکل حکومتی است که جدا از ماهیت آن، کم‌ترین فساد در آن یافت می‌شود و می‌تواند حامل آرمان‌های مردمی و مطابق خواست انسان‌های امروزی تلقی شود» (پورعباس، ۱۳۸۴)

برای گرفتن نظر مردم در قالب انتخابات بخشی از مردم که دارای بلوغ مورد نظر هستند برای ارائه نظر و تصمیم خود جهت اداره امور عمومی خود و کشور شخص یا اشخاصی را برای جایگاه یا جایگاه‌های رسمی کشور و به مدت معلوم انتخاب می‌کنند، آنها این عمل را با ریختن رأی به صندوق‌های انتخاباتی صورت می‌دهند.

«در این نوع، مردم حاکمیت را به وسیله نمایندگان برگزیده خود اعمال می‌کنند و دیگر لزومی به مداخله مستقیم مردم در امر حاکمیت وجود ندارد. در این نظام‌ها اکثریت آرای مردم است که نمایندگان را انتخاب می‌کند اما از سوی دیگر نمایندگان از سوی همه ملت مأمور به انجام تکالیف خود می‌باشند» (قاضی، ۱۳۸۰: ۳۷۱)

سیستمی که همه مردم به‌طور مستقیم حاکمیت را اعمال کنند و قانونگذاری به‌طور مستقیم به وسیله مردم اجرا شود و یا دست کم وظایف اصلی حاکمیت را خود به انجام رسانند را دموکراسی مستقیم می‌نامند که به اعتقاد برخی از اندیشمندان، این نوع حکومت، با اعمال دموکراسی مستقیم به معنای عملی هیچگاه وجود نداشته است و اکنون هم وجود ندارد؛ چراکه شرط اساسی آن، گردآمدن مردم و وجود جمعیت اندک و ابعاد کوچک جامعه است (همان: ۳۷۰).

سابقه‌ی دموکراسی غیر مستقیم به دوران بعد از رنسانس و آغاز مدرنیته در اروپا برمی‌گردد که به دلیل افزایش جمعیت و وجود دولت‌ها دیگر نوع مستقیم دموکراسی غیر عملی بود. بنابراین شکل غیر مستقیم آن به وجود آمد که مردم هر شهر یا ناحیه‌ی افرادی را انتخاب می‌کردند، این افراد انتخاب شده در گردهم‌آیی‌های رسمی خود، مسؤولان و مجریان درجه‌ی اول کشور را برمی‌گزیدند و سیاست‌های کلی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه را مورد بحث و بررسی قرار داده و خط مشی‌های ضروری را مشخص می‌ساختند. البته هم در رأی‌دهندگان و هم انتخاب‌شوندگان محدودیت‌های زیادی وجود داشت، مانند: محدودیت سن، داشتن ثروت و مکتب و یا دادن مالیات و ذکور بودن و ... که بالطبع از تعداد شرکت‌کنندگان می‌کاست (قهاری، ۱۳۸۳).

اندیشه مردم‌سالاری دینی بخشی از اندیشه سیاسی-اسلامی است. در مبانی این اندیشه، اصولی همچون این موارد قابل شناسایی است:

متعلق بودن حق حاکمیت به خدای تعالی، اولاً و بالذات (از این اصل به‌عنوان تئوکراسی به معنی حکومت خدا بر بشر یاد شده است).  
سلب حق حکمرانی هیچ شخص دیگری غیر از او بر دیگر مردم، بدون خواست و تصریح او (یا اشخاص منصوب او)

تعیین پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام از جانب او به حکومت بشر.  
تعیین حق حاکمیت عالمان حائز شرایط در دوران غیبت امام معصوم (دوازدهم) به نیابت از جانب امام عجل الله تعالی

تعیین حق اختیار و انتخاب انسان در عالم دنیا (به منظور متمایز شدن مؤمنان از کافران) و پیامد آن در عالم آخرت، وقوع ثواب و پاداش برای کسانی که حاکمیت خداوند را می‌پذیرند و عذاب برای کسانی که حاکمیت غیر او را گردن می‌نهند (یاسری، ۱۳۸۹).

## ۵. مشارکت سیاسی مردم، فرمانی قطعی و غیرقابل تغییر

### ۵-۱. فرمان قرآن کریم به جامعه ایمانی

مشارکت سیاسی مردم و تلاش در ایجاد و گسترش آن از جمله دستورات الهی به جامعه ایمانی است. مشاوره دادن آحاد مردم به نظام سیاسی کشور در خصوص نحوه اداره امور آن یک فرمان نافذ، حقیقی و لازم‌الاجرا برای رهبران جامعه است. انجام آن فرمان از طرق موجود و مشروع جزو ضروریات برای پیشبرد اهداف اساسی جامعه ایمانی است. بنابر آنچه که تشریح شد فرامین الهی ناظر به تشکیل جامعه دینی بر اساس معیارهایی است که حیات و همچنین کمال جمعی همه مؤمنین را تأمین گرداند. به همین جهت یکی از خصوصیات ضروری برای تحقق جامعه دینی مشورت‌خواهی از مردم است، تلاش در جهت تنظیم مراتب مختلف، و سازوکارهای متنوع در جهت مشورت‌خواهی از مردم در موضوعات کلان جامعه دینی یکی از مصادیق افزایش مشارکت جمعی مومنین در امور سیاسی بوده و اجابت امر پروردگار در محقق ساختن علائم جامعه مومنین است، بالتبع مشورت‌خواهی می‌تواند بر تکمیل شاخصه‌های جامعه ایمانی اثرگذار باشد. خداوند متعال در راستای بیان علائم جامعه ایمانی و مومنین آن می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»

«و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند» (سوره مبارکه شوری، آیه ۳۸).

همانطور که اشاره شد مشورت‌خواهی در جامعه الهی بر خلاف جامعه غیرالهی بر اساس معیارهای صادره از سوی خداوند متعال است، بر همین اساس مشورت‌خواهی از مردم صرفاً در موضوعات است نه در احکام. آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و ذیل آیه مذکور می‌نویسند:

«شورا منحصرأ در مورد کارهای اجرایی و شناسایی موضوعات است نه در باره احکام - که احکام تنها باید از مبده وحی و از کتاب و سنت گرفته شود- تعبیر به امرهم (کارهایشان) نیز ناظر

به همین معنی است چرا که احکام کار مردم نیست کار خدا است» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه:

ج ۲۰ / ۴۶۱)

نکته‌ی بسیار مهم دیگری که در بکارگیری این آیه قابل توجه است اینکه «آیه مخصوص به شأن نزول آن نیست بلکه در صدد ابلاغ یک برنامه عمومی و همگانی برای جامعه ایمانی است» (همان: ج ۲۰ / ۴۶۱)

در این فرمان الهی که یکی از بنیان‌های تاسیس و مدیریت جامعه ایمانی را مشورت در امور عنوان می‌کند، بلکه آن را جزو ضروریات جامعه‌سازی ایمانی نیز برشمرده است. آیه مبارکه مذکور مشارکت مردم در مشورت برای موضوعات کلان جامعه را در واقع اجابت امر و دستور الهی دانسته و از جمله خصوصیات جامعه ایمانی قلمداد می‌کند. انتخابات نیز یکی از مظاهر و سازوکارهای شناخت رأی و نظر مردم است، بر همین اساس شرکت در انتخابات یک تکلیف دینی و اجابت امر پروردگار است، در این امر الهی هم مجریان و هم آحاد مردم جامعه دینی باید بدانند که برای پیشبرد اهداف متعالی جامعه ایمانی لازم است تلاش برای مشارکت‌سازی سیاسی تحت عنوان سازوکارهایی مانند انتخابات را در دستور اقدامات مدیریتی خود داشته باشند، تا از این مسیر اراده مردم تحت سازوکاری فعالانه، مسئولانه و پرنشاط جمع و به کار گرفته شود. رهبر معظم انقلاب در مسیر ترسیم راهبرد جلب مشارکت آحاد جامعه ایمانی در سخن و تفسیری عمیق می‌فرمایند:

«اسلام در ضمن اینکه احکام الهی و اراده‌ی الهی را در هدایت و صلاح انسانها دارای کمال تأثیر می‌داند، اراده‌ی انسان، حضور انسان و حضور آحاد مردم را هم در همه‌ی کارها پیش‌بینی کرده است. خدای متعال در علائم مؤمنین می‌فرماید: «و امرهم شوری بینهم»؛ کارهایشان را با مشورت انجام می‌دهند. البته مشورت، با شکل‌های مختلفی ممکن است انجام گیرد؛ که این [شوراهای اسلامی] هم یک شکل از اشکال مشورت است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۳/۴).

مشارکت سیاسی یک راهبرد اساسی جامعه ایمانی است که رفتار و هنجار فردی و شرعی بوده و منفعت عمومی را تأمین می‌کند، و در صورت عدم مشارکت هر فرد در مسیرهای اظهار نظر عمومی از جمله انتخابات، علاوه بر هدر دادن حق فردی خود نقشی واقعی در تضییع حقوق جامعه دینی هم خواهد داشت، از طرف دیگر مسئولان برگزاری انتخابات و جلب مشارکت مردمی باید این فرآیند را در کمال رعایت امانت انجام دهند چرا که رهبر انقلاب اسلامی ضمن تأکید بر مسأله حق بود انتخابات می‌فرمایند «باید به عمق این حق الناس برسیم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴).

## ۵-۲. فرمان قرآن کریم به مجریان جامعه ایمانی

دین مبین اسلام پیش از آنکه برای آحاد جامعه ایمانی و مؤمنین فرامینی را در جهت ساخت و پیشبرد جامعه ایمانی صادر نماید، برای مجریان جامعه فرمان‌ها و دستوراتی را در جهت ساخت و تعالی هر چه بهتر آن تشریح و تشریح کرده است. بنابر دستورات الهی حاکمان جامعه اسلامی باید در بکارگیری مؤمنین برای موضوعات کلان و مهم جامعه ایمانی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای قائل باشند و علاوه بر قوای ایشان نظرات آحاد مؤمنین را در اقدامات خود نافذ دانسته و جایگاه حقیقی و واقعی برای آن ترسیم و تعریف کرده و به کار ببندند.

خداوند متعال در آیه ۱۵۹ سوره مبارکه آل عمران به واسطه دستوری که برای مجریان صادر می‌فرماید جایگاه نظر و مشارکت حقیقی مردم را بیش از پیش مشخص کرده و اهمیت واقعی نظر مردم بیشتر از آنچه که در آیه گذشته (۳۸ سوره شوری) بیان شد و به واسطه شأن نزول و وقایع زمان صدور آیه، در این فرمان الهی عیان می‌گردد. می‌فرماید:

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»

«و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد» (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۹).

این امر در حالی بود که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌عنوان حاکم جامعه ایمانی نوپا در امر مهم جنگ در صدر اسلام -یعنی جنگ احد- با مردم مشورت کرد و سپاه اسلام را علی‌رغم تصمیم و نظر خود به بیرون شهر برده و آن‌جا جنگیدند که محصول آن هم به ظاهر موفقیت‌آمیز نبود، اما بعد از این واقعه مهم بود که مجدداً به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور می‌دهد که با مردم مشورت کن! این دستور می‌رساند که این دستور باید به‌طور ثابت و امر جاری همیشگی در میان جامعه دینی باشد. در تفسیر و مباحث تحلیلی و تاریخی حول این آیه شریفه می‌خوانیم که:

«خداوند متعال برای زنده کردن شخصیت آنها و تجدید حیات فکری و روحی آنان دستور می‌دهد که در کارها با مسلمانان مشورت کن و رأی و نظر آنها را بخواه. این دستور بخاطر آن است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از آغاز جنگ احد در چگونگی مواجهه با دشمن با یاران خود مشورت کرد و نظر اکثریت بر این شد که اردوگاه، دامنه احد باشد اما دیدیم که این نظر، محصول رضایت بخشی نداشت. در اینجا این فکر به نظر بسیاری می‌رسید که در آینده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نباید با کسی مشورت کند. قرآن به این طرز تفکر پاسخ می‌گوید و دستور می‌دهد که باز هم با آنها مشورت کن هر چند نتیجه مشورت در پاره‌ای از موارد، سودمند نباشد زیرا از نظر کلی که بررسی کنیم منافع آن روی هم‌رفته بمراتب بیش از زبان‌های آن است و اثری که در آن برای پرورش فرد و اجتماع و بالا بردن شخصیت آنها وجود دارد از همه اینها بالاتر است» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه: ج ۳/ ۱۴۰)

همان‌طور که در بررسی آیه پیشین هم اشاره شد دستور مشارکت خواهی از مردم صرفاً در موضوعات و اجراییات احکام اسلامی است، اما این نظر خواهی و رأی‌گیری در امور تشریحی و قانونگذاری جامعه اسلامی مطلقاً وجود ندارد؛ همین مقطع، نقطه‌ی اختلاف بین جوامع ایمانی و غیرایمانی است. به همین دلیل مفسرین شیعه ذیل آیه مذکور نوشته‌اند:

«کلمه الامر در «و شاورهُمْ فی الْأَمْرِ» مفهوم وسیعی دارد و همه کارها را شامل می‌شود ولی مسلم است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هرگز در احکام الهی با مردم مشورت نمی‌کرد بلکه در آنها صرفاً تابع وحی بود، بنابراین موضوع مشورت، تنها طرز اجرای دستورات و نحوه پیاده کردن احکام الهی بود، به عبارت دیگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در قانون‌گذاری، هیچوقت مشورت نمی‌کرد و تنها در طرز اجرای قانون نظر مسلمانان را می‌خواست» (همان: ۱۴۱).

از این جهت در سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به دفعات مشورت خواهی و اعمال نظرات مومنین در امور اجرایی و موضوعات جامعه دینی که دستور الهی بود را مشاهده می‌کنیم:

«گاهی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پیشنهادی را طرح می‌کرد مسلمانان نخست سؤال می‌کردند که آیا این یک حکم الهی است؟ و یک قانون است که قابل اظهار نظر نباشد و یا مربوط به چگونگی تطبیق قوانین می‌باشد اگر از قبیل دوم بود اظهار نظر می‌کردند و اگر از قبیل اول بود تسلیم می‌شدند. چنان که در جنگ بدر لشکر اسلام طبق فرمان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خواستند در نقطه‌ای اردو بزنند یکی از یاران بنام "حباب بن منذر" عرض کرد ای رسول خدا ص این محلی را که برای لشکرگاه انتخاب کرده‌اید طبق فرمان خدا است که تغییر آن جایز نباشد و یا صلاح‌دید خود شما می‌باشد؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: فرمان خاصی در آن نیست، عرض کرد: اینجا به این دلیل و آن دلیل جای مناسبی برای اردوگاه نیست دستور دهید لشکر از این محل حرکت کند و در نزدیکی آب برای خود محلی انتخاب نماید پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نظر او را پسندید و مطابق رأی او عمل کرد» (همان: ۱۴۲).

بنابراین خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌عنوان حاکم جامعه ایمانی امر می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» با ایشان (مومنین) در کار مشورت نما» چرا که این سنت الهی است که مومنین باید هم‌پای رشد معارف و فرهنگ دینی نیز رشد کرده و مشارکت مسئولانه و فعالانه در امور اجرایی جامعه دینی داشته باشند، و به واسطه آزمون و خطا و در سایه هدایت‌های حاکم و نماینده خداوند متعال سیر تکاملی خود و جامعه دینی خود را به عینه مشاهده و تجربه کنند، لذا دستور الهی و اعتماد و اعتقاد به رأی مردم یک امر ظاهری و تزیینی نیست.

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز که مسئولیت خطیر امامت جامعه ایمانی در عصر حاضر بر عهده دارند بر همین سنت پایبند بوده و تمام تلاش و راهبردپردازی خود را بر تحقق متعالی و متکامل آن متمرکز کرده‌اند، ایشان در همین خصوص می‌فرمایند:

«اسلام منادی و پیشرو برپایی حکومت‌های مردمی و شورایی در چهارچوب وحی و قوانین الهی است. پیامبر گرامی اسلام به فرمان الهی «و شاورهم فی الامر» در مهمات حکومتی اسلام مشورت می‌فرمودند و حتی در صورت غلبه رأی جمع بر نظر مبارک ایشان، در مواردی به نظر اصحاب عمل می‌کردند. شاید بتوان گفت که این امر یکی از رموز پیشرفت سریع و بی‌سابقه مسلمین در آغاز تاریخ اسلام بوده است» (پیام مقام معظم رهبری به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی؛ ۱۳۷۸/۳/۲۵).

معظم‌له بارها بر اعتماد و اعتقاد عمیق و وثیق به مردم تأکید داشته‌اند، ایشان معتقدند راهبرد و اصلی از اصول اساسی جمهوری اسلامی ایران «اعتماد به مردم، عقیده‌ی واقعی به مشارکت مردم [است]. بعضی‌ها اسم مردم را می‌آورند، اما حقیقتاً اعتقادی به مشارکت مردم ندارند. بعضی اسم مردم را می‌آورند، اما به مردم اعتماد ندارند. بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و اعتقاد به مشارکت مردم است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴)

## ۶. انتخابات روشی نوین در تداوم مشارکت سیاسی مومنین

با تعریفی که از سازوکار انتخابات شد بدیهی است که این روش نوین در ساختار حاکمیت الهی و با هدف استقرار فرامین قرآنی، تجلی‌بخش و عینیت‌دهنده هدف ویژه‌ی الهی و خواست خداوند متعال در واگذاری امانت الهی تحت مشارکت فعالانه و واقعی مردم است. جلب مشارکت سیاسی آحاد مردم برای تعیین سرنوشت خود، امانتی حساس از جانب خداوند متعال است. بنابراین مشارکتی مد نظر و مقصود قرآن کریم بوده که قبل از آن نظام سیاسی بر اساس اصول قرآنی و مبانی الهی و در ساختار دینی و تحت زعامت امام علیه‌السلام یا نائب امام علیه‌السلام تأسیس شده باشد، سپس با مشارکت رأی و نظر مردم در واسپاری امانت الهی یعنی مدیریت جامعه دینی پایه‌ریزی شده و تداوم یابد.

قرآن کریم برای اداره‌ی امور کلان جامعه ایمانی مسیر جامعه‌سازی را پی‌ریزی و پیش‌بینی کرده است و لازم دانسته است تا مؤمنین با تشریک مساعی و همکاری و تعاون یکدیگر مشروعیت‌بخش مجریان حکومت اسلامی شوند و امور جامعه دینی را با مشورت، با انتخاب و هدایت جمعی خود و بر اساس مبانی قرآنی سامان دهند؛ در صدر اسلام این اقدام با نام بیعت مشهور بوده است. اما در حال حاضر روش و سبکی نوین در دنیا جاری است که در واقع همان هدف اصلی را دنبال میکند، و بالطبع روش در اصل موضوع و هدف مدخلیتی نداشته بلکه آن هدف تحت یک نظام الهی و در جهت مشارکت دادن مردم در امور کلان جامعه است که مطلوب شارع مقدس می‌باشد. این مطلوب که سپردن امانت الهی - همان مدیریت جامعه دینی است - باید از مسیر روشی انجام شود، آن روش در حال حاضر انتخابات است.

خداوند متعال مدیریت جامعه دینی را بسان امانتی دانسته که باید از طریق صحیح و اصولی و با زعامت، نظارت و راهبری نماینده خداوند متعال و صحنه‌گردانی و مشارکت حقیقی مردم به اهلش سپرده شود. از شاخص‌ترین آیاتی که علاوه بر پیام‌های اخلاقی و معنایی، پیام سیاسی برجسته‌ای هم در موضوعات سیاسی و حاکمیت جامعه دینی دارد آیه ۵۸ سوره مبارکه نساء است:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»

«خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهلش بدهید» (سوره مبارکه نساء، آیه ۵۸).

در فرهنگ روایات امانتداری از نشانه‌های مهم ایمان است و خیانت در امانت علامت نفاق است. نکته مهم‌تر آنکه در روایات متعدد منظور از امانت الهی، رهبری و مسئولیت‌های اداره جامعه ایمانی تعریف شده است، کما اینکه ذیل این آیه شریفه روایتی می‌فرماید:

«هَذِهِ آيَةٌ فِي أَمْرِ الْوَلَايَةِ» (مجلسی، بی‌تا: ج ۲۳/۲۸۳).

رهبر معظم انقلاب با اشاره به همین نکته در توصیه به دولتمردان جمهوری اسلامی می‌فرمایند:

«این مسئولیت راه، این توانایی راه، امانت بدانید؛ همچنان که امیرالمؤمنین فرمود: این در گردن تو یک امانتی است؛ وَ إِنَّمَا هِيَ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ؛<sup>۱</sup> این مسئولیت، امانت الهی است در اختیار من و شما؛ امانت‌داری باید کرد؛ حفظ امانت باید کرد. این آیه‌ی شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» فقط [درباره‌ی] این امانت‌های مادی محسوس نیست؛ این امانت مهم معنوی - که این مسئولیت است - مصداق برتر آنها است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۵/۱۲).

آنچه به لحاظ روند مستمر تاریخی در کشورهای مختلف مشهود است، کوشش و سعی دائمی مردم برای تأمین و وصول به شرایطی اجتماعی بوده تا هرچه پیش‌تر در مدیریت، نظارت و تعیین برنامه‌های آینده‌ی کشور دخالت داشته باشند و هرگونه قدرت استبدادی را حذف و یا کنترل نمایند. این امر - در ممالک مختلف - از آغاز با انتخاب نمایندگان صورت می‌گرفت، که به آنان اختیار داده می‌شد وظایف مذکور را به منصفه ظهور رسانند، این روش انتخاب و گزینش که دوره‌ای بوده، آغازگر تشکیل حاکمیت مردمی یا به زبان ساده‌تر، دموکراسی غیرمستقیم محسوب می‌گردد (قهاری، ۱۳۸۳). در جمهوری اسلامی ایران ضمن کوشش برای مشارکت مردم در تعیین مجریان اداره کشور، بر تصویب و اجرایی قوانین منطبق بر شرع الهی و با اشراف و نظارت نائب امام عجل‌الله‌تعالی اصرار شده است، تا در نظامی دینی مسیر اجرای قانون الهی مسدود نگردد. رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی در همین راستا می‌فرمایند:

«مردم‌سالاری دینی که عنوان جمهوری اسلامی به خود گرفت و رسمیت پیدا کرد و از سوی امام خمینی مطرح شد، این یک طرح ناب و خالص دینی است؛ یعنی هیچ تردیدی در این نباید داشت. این که حالا بعضی‌ها گفتند که امام انتخابات راه، مردم‌سالاری را و امثال این‌ها را از غربی‌ها

۱. نهج البلاغه، نامه ۵: از نامه‌های آن حضرت به اشعث به قیس عامل آذربایجان.



به ملاحظه و رودر بایستی و مانند این‌ها گرفت، حرف بسیار بی‌مبانی است. امامی که ما شناختیم و سال‌ها با او همکاری کردیم و مردم دیدند امام را، کسی نبود که به خاطر رودر بایستی با این و با آن و با این حرف‌ها، از حکم خدا منصرف بشود؛ نه، اگر چنان‌چه مردم سالاری در دین نبود، از دین نبود و خدایی نبود، امام کسی نبود که به آن تن بدهد. امام نظر قاطع خودش [را می‌گفت.] «بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۰۳/۱۴».

همانطور که در سخنان و منویات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده می‌شود که مشارکت سیاسی مردم از اصول مردم سالاری است، به همان میزان و اهمیت در سخنان امام راحل عظیم‌الشأن می‌بینیم که مردم سالاری دینی با مشارکت سیاسی مردم محقق می‌شود و یک مسیر عینی آن انتخابات است. رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی در همین راستا می‌گویند:

«در وصیت‌نامه‌ی امام یک عبارت بسیار هشداردهنده‌ای هست که می‌فرمایند: «عدم حضور در انتخابات، در بعضی مقاطع چه بسا گناهی باشد در رأس گناهان کبیره»<sup>۱</sup> یعنی درباره‌ی انتخابات نظر امام این است. یا در یک بیان دیگر می‌فرمایند: «کوتاهی در مشارکت - یعنی مشارکت در انتخابات - دارای پیامدهای دنیوی، چه بسا تا نسل‌ها بعد و مستلزم بازخواست الهی است»؛ این فرمایشات امام است که با همین بیانات و با همین محکم‌کاری‌ها جمهوری اسلامی را استوار کردند، پابرجا کردند. و بحمدالله بعد از رحلت امام هم ملت ایران این عطیه‌ی الهی را - یعنی این مردم سالاری دینی را که عطیه‌ی الهی بود و به دست امام بزرگوار به ملت ایران اهدا شد - حفظ کردند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۰۳/۱۴).

## ۷. نتیجه‌گیری

مردم حقی الهی در تعیین سرنوشت خود و جامعه خود و نظارت بر حسن انجام آن دارند، این حقی است که خداوند متعال در فرمان‌های متعددی برای انسان و مخصوصاً مؤمنین و جامعه ایمانی قائل شده است و آنها را در آیات کریمه مصحف شریف بر مؤمنین تشریح و تشریح فرموده است. مؤمنین هم حق در تعیین سرنوشت دارند و هم بنابر آیات مذکور، تکلیف در مشورت و مشارکت‌دهی سیاسی به مجریان و رهبران برای پیشبرد اهداف متعالی جامعه ایمانی از جمله استقرار حاکمیت الهی که وعده‌ی الهی است را دارند. در غیر این صورت بنا بر وعیدهای همان مصحف شریف آسیب‌ها و بلاها و عقب‌گردها در انتظار آنهاست.

در این بین عملیات و سازوکار انتخابات در سپردن مسئولیت‌ها به افراد ذی‌صلاح به‌نوعی روش امروزی در مشورت‌خواهی و جلب مشارکت سیاسی مردم برای سپردن امانت خطیر حکومت بر سرنوشت مردم به شمار می‌رود، چرا که حق حاکمیت از نظر اسلام بالاصاله و ذاتاً متعلق به خداوند

۱. خمینی، سیدروح‌الله؛ صحیفه‌ی امام: ج ۲۱ / ۴۲۲.

متعال است، که این حق را مؤمنین در چارچوب و نظام‌های سیاسی دینی اجرا و یا به نمایندگان خود تفویض می‌کنند، به همین دلیل عنوان این مدل مشارکت سیاسی مردم را مردم‌سالاری دینی می‌خوانیم که تفاوت ذاتی با دموکراسی غربی دارد.

مؤمنین در سیاست‌های خرد و کلان کشور نظراتی دارند و در واقع به دنبال ارائه نظر حقیقی و مؤثر برای اداره کشور هستند که البته آن نظرات با تمهیداتی منطبق بر شریعت نیز خواهد بود، به همین دلیل و برای ایجاد تغییرات و اصلاحات دلخواه و البته قاعده‌مند عامه که ذیل سیاست‌های کشور پذیرفته‌اند، اقدام به مشارکت سیاسی برای تعیین سرنوشت خود می‌کنند. برای تحقق این مهم امکان به کارگیری نظر و تصمیم مؤمنین با سازوکار انتخابات مهیا می‌شود، به عبارت دیگر انتخابات یکی از راه‌های جلب مشارکت سیاسی مردم برای تصمیم‌گیری در امور کلان جامعه ایمانی است. بر همین مبنا در منویات امام راحل که رهبر معظم انقلاب تبیین و تشریح می‌کنند می‌خوانیم که امام انتخابات را مظهر مردم‌سالاری می‌دانست؛ یعنی امروز مردم‌سالاری و حضور مردم به وسیله‌ی انتخابات امکان‌پذیر است؛ ممکن است یک دورانی در آینده بیاید که انتخابات بی‌معنی بشود، شکل‌های دیگری به وجود بیاید برای حضور مردم و اظهار نظر مردم؛ اما امروز انتخابات است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷). توسعه پایدار روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ اول.  
اوکلی، پیتر؛ مارسدن، دیوید (۱۳۷۰)، رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، مترجم: منصور محمودنژاد، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی.  
ایران نژاد، ابراهیم؛ صوری، رباب (پاییز ۱۴۰۲). «بررسی نقش مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای». فصلنامه حکمرانی متعالی، شماره ۱۵.

بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت سی‌دومین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره): ۱۴۰۰/۳/۱۴.  
بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت عید سعید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱.  
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان شوراها، ۱۳۷۸/۰۳/۴.  
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴.  
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۴.  
بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶/۰۵/۱۲.  
بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴۰۰/۰۳/۱۴.  
بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات موسسه کیهان، چاپ سوم.

پورعباس، یعقوب (۱۳۸۴). «اعمال حاکمیت با روش‌های دموکراسی مستقیم و بررسی آن در مورد جمهوری اسلامی ایران»، نشریه حقوق اساسی دانشگاه تهران، شماره ۵.  
پیام مقام معظم رهبری به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی؛ ۱۳۷۸/۳/۲۵.  
خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). صحیفه امام، ج ۲۱.  
سعیدی، محمدرضا (۱۳۹۸). درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیر دولتی، تهران: انتشارات سازمان سمت.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۷). ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۱۸، صفحه ۹۲؛ نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی؛ تهران: رجا.

غفاری، غلامرضا؛ نیازی، محسن (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت، تهران: انتشارات نزدیک.  
قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.  
قهاری، نظام‌الدین (بهمن ۱۳۸۳). «مردم‌سالاری و انتخابات»، مجله تخصصی تاریخ، دانشگاه حافظ، شماره ۱۱.

کائوتری، هوئین و دیگران (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه، مترجم: هادی غبرایی، تهران: انتشارات روش.  
محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). «بیگانگی»، نامه علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، شماره دوم.

محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳). وندالیسم، تهران: انتشارات آن، چاپ اول.  
محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (۱۳۸۶). بحار الانوار، ج ۷۲، تهران: نشر اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. جلد ۲۰، طهران: دارالکتب الاسلامیه.  
یاسری، ابوذر (۱۳۸۹). «نسبت مردم‌سالاری دینی و مردم‌سالاری غربی»، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۴۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

Research Article

**Analyzing the Concept of Political Participation in the Quran with  
Emphasis on the Election Mechanism**

**Mehdi Daliripour<sup>1</sup>**

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

**Abstract**

The aim of the present study is to analyze the concept of political participation in the Holy Quran, and in this regard, it focuses on the election mechanism with a descriptive-analytical method. Theoretical understandings and practical issues created due to the multiplicity of paths of political participation of believers are diverse, however, research findings derived from religious and Quranic foundations show that realizing religious democracy is a faith necessity, and elections are one of the modern methods for implementing it; in the meantime, issues arise that make the ways of realizing political participation ambiguous. In the following article, the concept of political participation is analyzed by considering the principles and foundations of the Quran, and in this process, with an emphasis on the conventional and common method of elections, its compatibility and adaptation in the context of the faith community for the desired realization of political participation has also been examined.

**Keywords:** Holy Quran, political participation, elections, religious democracy, faith community.

**Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Daliripour, Mehdi (Winter 2025). "Analyzing the Concept of Political Participation in the Quran with Emphasis on the Election Mechanism". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 7, Num. 4, S.No. 28, pp. 121 - 144.

---

<sup>1</sup>. Level 4 of Qom Seminary, Lecturer in the Department of Education, Qom University, Qom, Iran.  
Email: daliripourmahdi@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

## References

Holy Quran

Nahj al-Balagha

Azkiya, Mustafa (2008). *Sustainable Rural Development*, Tehran: Information Publications, First Edition.(in Persian)

Berow, Alain (1375). *Dictionary of Social Sciences*, translated by Baqer Sarukhani, Tehran: Kayhan Publications, third edition.

Ghafari, Gholam Reza; Niazi, Mohsen (2007). *Sociology of Participation*, Tehran: Nazd Publications.(in Persian)

Ghahari, Nizam al-Din (February 2004). "Democracy and Elections", *Specialized Journal of History, Hafez*, No. 11.(in Persian)

Ghazi, Abolfazl (2001). *Fundamental Rights and Political Institutions*, Tehran: Tehran University Press, 7th edition.(in Persian)

Irannejad, Ebrahim; Sabouri, Rabab (Fall 1402). "Investigating the Role of Popular Participation in Regional Planning". *Quarterly Journal of Supreme Governance*, No. 15.(in Persian)

Kawtari, Huyin and Others (2000). *Participation in Development*, Translator: Hadi Ghobraei, Tehran: Rosh Publications.

Khomeini, Seyyed Ruhollah (Bita). *Imam's Page*, Vol. 21.(in Persian)

Makarem Shirazi, Naser (1974). *Exemplary Interpretation*. Vol. 20, Tehran: Dar al-Kutbool al-Islamiyya.(in Persian)

Message of the Supreme Leader to the Conference of Islamic Inter-Parliamentary 25/3/1999.(in Persian)

Mohammad Baghor bin Mohammad Taghi Majlesi (2007). *Bihar al-Anwar*, Vol. 72, Tehran: Nash-e-Islamiyya.(in Persian)

Mohseni Tabrizi, Alireza (1991). "Alienation", *Social Sciences Letter*, Tehran: University of Tehran, Faculty of Social Sciences, No. 2.(in Persian)

Mohseni Tabrizi, Alireza (2004). *Vandalism*, Tehran: Ann Publications, First Edition.(in Persian)

Oakley, Peter; Marsden, David (2001), *Approaches to Participation in Rural Development*, Translator: Mansour Mahmoudnejad, Tehran: Publications of the Center for Research and Study of Rural Issues of the Ministry of Jihad and Construction.

Pour Abbas, Yaqub (1384). "Exercising sovereignty through direct democratic methods and its study in the case of the Islamic Republic of Iran", *Journal of Fundamental Rights of the University of Tehran*, No. 5.(in Persian)

Saeedi, Mohammad Reza (2019). *An Introduction to Public Participation and Non-Governmental Organizations*, Tehran: Samat Publications.(in Persian)

Statements of the Supreme Leader in the ceremony of ratifying the twelfth term of the presidency of the Islamic Republic of Iran, 12/05/1396.(in Persian)

Statements of the Supreme Leader in the ceremony of the 32nd anniversary of the death of Imam Khomeini, 14/03/1400.(in Persian)

Statements of the Supreme Leader in the meeting with the Friday prayer leaders from all over the country on 14/10/1394.(in Persian)

*Statements of the Supreme Leader in the meeting with the officials of the Islamic Councils, 04/03/1378.(in Persian)*

*Statements of the Supreme Leader in the meeting with the professors and students at the University of Science and Technology. 24/09/1387.(in Persian)*

*Statements of the Supreme Leader on the occasion of Eid al-Adha, 21/12/1399.(in Persian)*

*Statements of the Supreme Leader on the occasion of the 32nd anniversary of the passing of Imam Khomeini (RA); 14/3/1400.(in Persian)*

*Tabatabaei, Mohammad Hossein (1988). Translation of Tafsir al-Mizan, Vol. 18, p. 92; Allameh Tabatabaei Scientific and Cultural Foundation Publications; Tehran: Raja.(in Persian)*

*Yasseri, Abuzar (2009). "The Relationship between Religious Democracy and Western Democracy", Journal of the Development of Social Sciences Education, No. 46.(in Persian)*



